

منطق برنامه درسی گرایش علمی کاربردی کشاورزی با رویکرد کارآفرینی

حسین نیک فرجام^۱، علی حسینی خواه^۲، عفت عباسی^۳ و مسعود گرامی پور^۴

۱- دانشجوی دکتری مطالعات برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲، ۳ و ۴- استادیار گروه مطالعات برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف توصیف و تفسیر منطق برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی در رشته‌های کشاورزی علمی کاربردی با دیدمان کیفی اجرا شد؛ و به منظور شناخت مقوله‌های اصلی تاثیرگذار بر منطق برنامه‌ی درسی کارآفرینی از نظریه پایه‌ور برای تحقیق استفاده شد. در این پژوهش برای دستیابی به داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند با روش گلوله‌برفی تا رسیدن به اشباع نظری و آستانه سودمندی انجام شد که در آن اعضای هیئت علمی با گرایش آموزش کشاورزی و آشنا با کارآفرینی، متخصصان برنامه‌درسی و دانش‌آموختگان کارآفرین علمی کاربردی با گرایش‌های کشاورزی هر یک به ترتیب ۸، ۶ و ۹ تن که در جمع ۲۳ تن شرکت داشتند. برای پردازش و تحلیل داده‌ها از سه رویه کدگذاری: کدگذاری باز برای شکل‌گیری مفهوم‌ها، کدگذاری محوری برای ساخت مقوله‌ها و کدگذاری گزینشی برای خلق قضیه با کمک نرم‌افزار اطلس تی استفاده شده‌است. در تحلیل اولیه داده‌ها، از شمار ۴۹۶ مصداق ارایه شده توسط پاسخگویان در مصاحبه‌ها، ۳۸ مفهوم، در مرحله‌ی کدگذاری باز تعیین شد و در مرحله‌ی کدگذاری محوری، مفهوم‌هایی مشترک و همسان مرحله پیش از نظر معنایی در قالب ۷ مقوله‌ی عمده که شامل: نبود شغل دولتی، اشتغال‌زائی، ایجاد بینش کارآفرینانه، شرایط و توان بالقوه کشاورز، پیشرفت‌های فناوری‌های نوین، تمرکز دانشگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی معتبر و نیاز جامعه کشاورزی به عنوان یافته‌های پژوهش طبقه‌بندی شدند و در نهایت از این مقوله‌ها یک قضیه با عنوان ایجاد اشتغال پایدار و توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی به دست آمد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که برای فراهم کردن اشتغال پایدار و توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، باید منطق برنامه‌های درسی علمی کاربردی در گرایش‌های کشاورزی با مباحث‌های کارآفرینی در هم تنیده شود. تا نقشی جهت‌دهنده در فرآیند تصمیم‌سازی و ساخت برنامه درسی داشته باشند.

نمایه واژگان: منطق برنامه درسی، رویکرد کارآفرینی، آموزش علمی کاربردی کشاورزی.

نویسنده مسئول: حسین نیک فرجام

رایانامه: nikfarjam66@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

مقدمه

می‌گردد (پری‌نوش، ۱۳۹۱). رویکرد کارآفرینی به معنای برخورداری از تفکر و بینش کارآفرینی و استفاده از مولفه‌های آن با توجه به مفهوم‌ها و مبناها پذیرفته شده در علم کارآفرینی برای حل فرآیندها در پدیده مورد نظر است و پیامدهای ارزشمندی چون توسعه‌ی پایدار اقتصادی، اجتماعی، افزایش روحیه کار گروهی و خلاقیت، افزایش اشتغال پایدار، کاهش آسیب‌های اجتماعی و غیره را به همراه دارد، با وجود نیاز به توسعه کارآفرینی در کشور، متأسفانه پیشرفت شایان ملاحظه‌ای در این حوزه احساس نمی‌شود که این امر ناشی از کم توجهی به آموزش بهینه آن در مقطع‌های تحصیلی مختلف است (نادری، ۱۳۹۴).

در مؤسسه‌ی آموزش عالی علمی‌کاربردی جهاد کشاورزی نیز برای تحقق هدف‌های سند چشم‌انداز بخش کشاورزی در افق ۱۴۰۴، ویژگی‌هایی شامل: برخورداری از برنامه‌های آموزش نوین و با کیفیت بالا، متنوع و مبتنی بر نیازهای واقعی بخش کشاورزی و توانمندسازی در برنامه‌ریزی و اجرای آموزش‌های مهارت و فناوری در سطح ملی، پیشگام در پژوهش‌های کاربردی در آموزش‌های مهارت و فناوری، توانمندسازی در تعلیم و تربیت منبع‌های انسانی کارآمد، ماهر و کار آفرین و ظرفیت‌سازی برای شکوفایی خلاقیت و نوآوری، رشد کارآفرینی، تقویت و نهادینه‌سازی فرهنگ کار، مدیریت جهادی، اخلاق حرفه‌ای، روحیه اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری اعضای هیئت علمی، مدرسان، کارکنان و دانشجویان علمی کاربردی مورد نیاز بخش کشاورزی را باید مد نظر قرار دهد.

با توجه به نقش بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، اهمیت و ضرورت ارایه آموزش‌هایی که منجر به کارآفرینی در میان مخاطبان شود امری پرهیزناپذیر است تا با تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآفرین، جامعه به سمت استفاده بهینه از مجموع امکانات و تولید سوق پیدا کند (علیخانی، ۱۳۹۳). آموزش کشاورزی و توسعه منبع‌های انسانی و ایجاد زمینه برای افزایش روحیه کارآفرینی در بخش کشاورزی از این نظر با اهمیت است که موجب

امروزه نقش و جایگاه نیروی انسانی متخصص در فرآیند توسعه از ضرورت‌های بنیادین توسعه پایدار کشورها به شمار می‌آید. از همین رو، این سده را سده‌ی دانایی‌محور یا دانش‌بنیان نام نهاده‌اند (. انسان‌ها ارزشمندترین و بزرگترین ثروت هر جامعه‌ی بوده و همه‌ی نهادها با هر نوع مأموریتی باید بیش‌ترین سرمایه، وقت و برنامه را به پرورش نیروی انسانی در ابعاد مختلف اختصاص دهند. نیروی انسانی که بتواند در بخش‌های مختلف صنعتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی پاسخگو باشد. چنین افرادی باید در دانشگاه‌ها و مراکزهای آموزشی به شیوه بهینه و علمی آموزش دیده باشند تا بتوانند در جامعه و توسعه اقتصادی آن‌گونه که شایسته است نقش‌آفرینی کنند (نیک فرجام، ۱۳۹۱). در این راستا، آموزش عالی دارای نقش و تاثیرگذاری اقتصادی بسیار مهمی است، زیرا معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منبع‌های انسانی است که با فراهم کردن و ارتقای دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز افراد در زمینه‌های مختلف به توسعه اقتصادی کمک می‌کند (وودهاال، ۱۹۹۲). بنابراین دانشگاه‌ها و مراکزهای آموزش عالی در بسیاری از جامعه‌های توسعه یافته به دو روش در بازسازی و توسعه اقتصادی به گونه‌ای کارآمد مشارکت می‌کنند. اول؛ تربیت نیروی انسانی لازم و با کیفیت از نظر علمی و فنی و دوم؛ ایجاد شرایط و محیط تحقیق و پژوهش که پیشرفت و توسعه علمی را امکان‌پذیر می‌سازد (سینک، ۱۹۹۶).

توجه به مفهوم‌های جدید، از جمله کارآفرینی، سبب شده است که بسیاری از کشورها گام‌های موثری در پیشینه‌سازی بهره‌برداری از امکانات مادی و انسانی موجود برداشته و اقتصاد خود را دگرگون کنند. از دیدگاه ژوزف شومپیتر، کارآفرینی فرایندی است که هر یک از امور مانند ارایه کالا یا خدمتی جدید، ارایه روشی جدید در فرایند انجام کار و تولید، گشایش و دسترسی به بازاری تازه، یافتن منابعی جدید جهت انجام کسب و کار و تولید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید جزء فعالیت‌های کارآفرینی محسوب

این رو برنامه‌های درسی یکی از مباحث‌های چالش برانگیز دانش بشری است ضمن آنکه بسترهای فراوانی برای توجه و گسترش بررسی و ارزیابی برنامه درسی وجود دارد، برنامه درسی آموزش عالی، یکی از آن بسترها است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳). در واقع برنامه درسی به عنوان قلب مرکزهای دانشگاهی در توفیق یا شکست این مراکز نقش کلیدی و تعیین کننده‌ای دارند (ارنشتاین و لن بروک، ۲۰۰۴). برنامه‌های درسی نشان دهنده میزان پیشرفت و پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر و دگرگونی جامعه هستند (فتحی و اجارگاه و شفیع‌ی، ۲۰۰۷). برنامه درسی آموزش عالی طرحی علمی است که شامل اهداف، فعالیت‌ها و راه‌های سنجش میزان موفقیت است و هدف آن رشد و پرورش علمی دانشجویان است که حاکی از فرایند مشارکت تعداد زیادی از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها است که در خصوص رشته‌ها و طراحی برنامه‌های دروس مختلف با برنامه‌ریزان همکاری می‌کنند (بینش و همکاران، ۱۳۹۵).

برنامه‌های درسی به عنوان یک مؤلفه اثر گذار در نظام آموزش عالی که در آن آخرین دگرگونی‌ها و دستاوردهای بشری در عرصه‌های گوناگون علمی منعکس و به نیروی فعال آینده آموزش داده می‌شود، مستلزم بازنگری و تغییر مداوم در دوره‌های مختلف زمانی است تا از این رهگذر، برنامه‌های درسی پاسخگوی نیازهای در حال تحول جامعه و بخش‌های مختلف آن باشد. پدیده کهنگی یا بی تأثیر ماندن برنامه‌های درسی به واسطه بازنگری نشدن باعث کاهش کیفیت آموزش عالی و در نتیجه پاسخگو نبودن آن در قبال بازار کار و نیازهای اشتغال می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲). یک راه‌حل پایدار برای ایجاد نگرش کارآفرینی، ارتقای توانمندی‌ها و ویژگی‌های کارآفرین در دانشجویان با استفاده از ظرفیت ارزشمند برنامه‌های درسی در طول دوره تحصیل است، زیرا با توجه به نتایج ارزیابی‌های مختلف صورت گرفته، ثابت شده که ویژگی‌های کارآفرینان اغلب اکتسابی است و نه توارثی (مهدوی مزده، ۱۳۹۲). آکر (۲۰۰۳) برنامه درسی را در ده

اشتغال، انتقال فن‌آوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری کشف منبع‌های جدید و استفاده اثربخش از آنها، توزیع مناسب درآمد و عدالت اجتماعی، نوآوری و خلاقیت در جامعه و بهبود زندگی می‌شود (شریعت زاده، ۱۳۸۵). به همین منظور، وزارت جهاد کشاورزی برای تامین بخشی از نیازهای منبع‌های انسانی در توسعه کشاورزی سیاست‌های ویژه‌ای را لحاظ کرده است و یکی از این سیاست‌ها بالا بردن توان علمی و فنی منبع‌های انسانی با ایجاد و توسعه دوره‌های آموزشی پودمانی، کاردانی و کارشناسی در مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی است. اگر چه فعالیت‌ها و اقدام‌های انجام شده با توجه به ضرورت‌های زمانی و نیازهای مرتبط با آن در خور توجه بوده است، اما بواسطه دگرگونی‌ها و تغییرهای ایجاد شده و نیازهای جدیدی که ناشی از این دگرگونی‌ها بوده‌اند، در برخی از حوزه‌ها علاقمندی و استقبال از این رشته‌ها و برنامه‌ها کاهش یافته است و در پاره‌ای دیگر از موارد اثربخشی برخی از برنامه‌های درسی در حال‌های از ابهام قرار داشته و یا در برخی زمینه‌ها خلاهای جدی برای طراحی و اجرای برنامه‌های جدید احساس می‌شود. مساله این است که متأسفانه ناهمخوانی برنامه‌های آموزشی رشته‌های تحصیلی بخش کشاورزی با نیازهای واقعی بازار کسب و کار در این حوزه و پذیرش نامناسب دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکزهای آموزش کشاورزی کشور نشان می‌دهد، هر روز بر شمار دانش آموختگان بیکار در کشاورزی افزوده می‌شود (خانه کارآفرینان). در صورتی که انتظار مسئولان و جامعه از دانش آموختگان کشاورزی این است که افزون بر اشتغال خود، برای افراد دیگر جامعه نیز کار ایجاد کنند و در توسعه کشاورزی نیز نقش بنیادی داشته باشند (اساسنامه مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی و مهارتی جهاد کشاورزی، ۱۳۹۴).

برنامه درسی یکی از عنصرهای مهم در نظام آموزش عالی است که نقش تعیین کننده‌ی انکارناپذیری در راستای تحقق هدف‌ها و رسالت‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی ایفاء می‌کند. از

در مرکز آموزش عالی علمی-کاربردی امام خمینی (ره) « به تدوین و اجرای برنامه جامع آموزش خلاقیت و کارآفرینی شامل: کارگاه‌های آموزشی با حضور کارآفرینان برتر بخش کشاورزی و استفاده از مدرسان توانمند و آشنا به بازار کار کشاورزی ایران، بازدید از واحدهای شغلی کارآفرینان، شرکتهای در نمایشگاه‌های تخصصی و همایش‌های علمی کارآفرینی و کشاورزی، تشکیل کارگروه‌های مشاوره کارآفرینی با حضور دانش‌آموختگان کارآفرین مرکزها و حمایت از تشکلهای کارآفرینی تازه تأسیس در رشته‌های مختلف تحصیلی اشاره کرده‌اند.

شریف زاده و عبداللهزاده (۱۳۹۴)، در پژوهش خود برای مؤلفه‌های توسعه‌ی آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، نتیجه گرفتند که بهبود آموزش کارآفرینی مستلزم توجه بیشتر به آموزش عملی و یادگیری تجربی، یادگیری کارآفرینانه، نوآوری‌های روش شناسانه عملگرا برای آموزش کارآفرینی در حوزه آموزش عالی کشاورزی، کار با کارآفرینان به عنوان الگوهای نقش در پرتو رابطه استاد-شاگردی؛ تقویت دوره‌های کارورزی و کارآموزی با جهت‌گیری کارآفرینانه؛ دعوت از کارآفرینان کارآموده و موفق برای حضور در دوره‌های آموزش کارآفرینی و انتقال آموزه‌های تجربی خویش به عنوان آموزشگر مدعو و منبع یادگیری عملی، هدایت پروژه‌های دانشجویی، مشاوره کارآفرینانه به دانشجویان و راهنمایی و مشاوره شغلی و انگیزه بخشی حرفه‌ای به دانشجویان برای گذراندن مسیر کارآفرینانه؛ و انجام پروژه‌های میدانی و عملی نظارت شده فردی و گروهی دانشجویی مبتنی بر گروه‌سازی و کار گروهی در زمینه کسب و کارهای کارآفرینانه به عنوان فرصتی برای یادگیری تجربی، آشنایی عملی با موقعیت کسب و کار، هماهنگی، واری و باز ترسیم آموزه‌ها و هم‌چنین مؤلفه توسعه حرفه‌ای برای آموزش کارآفرینی کشاورزی به شناسایی رویکردها، ابزارها و ساز و کارهای حرفه‌ای آموزش‌گران و اعضای هیئت

عنصر منطق، هدف، محتوا، فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، مدرس، مواد و منابع، فراگیر، زمان، مکان و ارزشیابی مورد توجه قرار داده است او با طرح سوالاتی، وضعیت این عناصر در فرآیند تدوین برنامه درسی را روشن نموده است. عنصر منطق یا چرایی نقش اصلی در ماموریت برنامه درسی را دارد و در حکم مؤلفه‌ای جهت دهنده در فرآیند تصمیم‌سازی برنامه درسی عمل می‌کند، همه عناصر حول محور عنصر منطق به یکدیگر متصل و مربوط می‌شوند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). منطق در برنامه درسی، نشان دهنده آن است که چه چیزی سبب ساخت برنامه درسی شده است؛ و با کدام تعریف‌ها، اصل‌ها و فرض‌ها می‌توان به ساخت آن اقدام کرد. پس، منطق برنامه درسی ضمن آنکه با طرح بنیادهای اکتشافی همراه است، در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از بیانیه‌های آرمانی نیز می‌باشد. که زمینه‌ی شکل‌گیری برنامه‌درسی را فراهم می‌کنند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۳).

طراحی و تدوین برنامه‌درسی دانشگاه‌ها و مدرسه‌های عالی با رویکرد کارآفرینی موجب غنی‌سازی تجربه‌ها یادگیری دانشجویان، افزایش ایجاد کسب و کار جدید توسط آنان، ارتقای مهارت‌های شغلی و مدیریت کسب و کار، افزایش ارتباط میان دانشگاه‌ها و صنعت و ایجاد فرصتی برای آزمون محتوا و روش‌های تدریس کارآفرینی می‌شود (فائویتی و همکاران، ۲۰۰۳). برنامه درسی کارآفرینی طرحی است که هر یک از عنصرهای برنامه‌درسی با مؤلفه‌های کارآفرینی مطابقت داشت باشد (اولادیان و همکاران، ۱۳۸۹). و دارای بُعدهای است؛ که در آن محیط (اثر محیط بر رفتار فراگیر)، اقتصاد (راهبرد برای موفقیت در محیط)، کارآفرینان (ارتباط فراگیر با کارآفرینان)، بنگاه (تحلیل از محیط، اقتصاد و کارآفرینان برای تاسیس یک بنگاه) و پیچیدگی (عمل کارآفرینی و تأثیر متغیرهای مختلف بر کارآفرینی) دخیل هستند و در واقع رویکرد تلفیقی دارد (مذبوحی و همکاران، ۱۳۹۱).

مخبر و همکاران (۱۳۹۶)، در نتایج تحقیق خود مبنی بر بررسی «متغیرهای مؤثر بر توسعه کارآفرینی

پایه‌ور تولید و خلق مفهوم‌ها، مقوله‌ها و قضیه‌ها در یک چرخه شکل می‌گیرد؛ که برآمده از تجزیه و تحلیل داده‌های است که به زمینه واقعی تحقیق مرتبط می‌شود. بر این پایه، برای گردآوری اطلاعات در راستای هدف پژوهش از دو شیوهی: مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته با افراد صاحب‌نظر استفاده شد. در آغاز به مرور اسناد و پژوهش‌های محققان و هم‌چنین برنامه‌های درسی موجود در رشته‌های علمی کاربردی کشاورزی پرداخته شد. و سپس با مصاحبه‌ی نیم ساختار یافته به کشف ساختار درونی و نگرش و تجارب آنان در ارتباط با موضوع تحقیق اقدام شد. در مصاحبه‌های انجام شده پرسش‌های اولیه همسان و از پیش تعیین شده بودند که روایی آن‌ها مورد تایید دو تن از متخصصان برنامه‌درسی آشنا با کارآفرینی قرارگرفت و پرسش‌های تکمیلی برای فهم محتوای کلامی و لایه‌های پنهان مفاهیم و مقولات مرتبط با پرسش اصلی پژوهش شکل گرفت. در این نوع مصاحبه از همه‌ی پاسخ دهندگان، پرسش یکسان پرسیده شد؛ و آنان هم به صورت آزاد پاسخ خود را ارایه دادند (دلاور، ۱۳۸۷). برای بررسی روایی و اعتبار یابی اطلاعات بدست آمده از یافته‌های تحقیق، راهبردهایی وجود دارد که متداول آن بررسی داده‌ها توسط مشارکت کنندگان در پژوهش هستند (کرسول و پلانو کلارک ترجمه کیامنش و سرابی، ۱۳۹۰). در این تحقیق خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش در اختیار پاسخگویان کلیدی قرار گرفت و از آنان در مورد یافته‌های تحقیق مبنی بر منعکس‌کننده دقیق نظرها و تجربه‌های آنان هست سوال بعمل آمد و با پاسخ مثبت آنان همراه بود. پایایی در پژوهش کیفی دارای نقش فرعی است و عمدتاً به پایایی کدهای داده شده گروه کد گذار و توافق آنان برسر کدهای اختصاص یافته به متن مصاحبه‌ها بر می‌گردد (همان منبع). در این تحقیق برای پایایی پژوهش از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد بدین صورت متن مصاحبه به سه تن از استادان ارایه شد و از آنان خواسته شد تا متن‌ها را کدگذاری نمایند و درنهایت کدهای اختصاص داده شده با کدها پژوهشگر مورد

علمی در تدریس و آسان‌گری کارآفرینی دست یافتند.

بر این پایه نوع آموزش در دوره‌های علمی - کاربردی برای ارتقاء دانش افراد، و ایجاد مهارت‌های لازم برای اشتغال و فراهم نمودن زمینه کارآفرینی نیاز به بازنگری دارد. لذا اهمیت و ضرورت این تحقیق را می‌توان این‌گونه بیان نمود، که با توجه به فرآیند طراحی برنامه‌های درسی مناسب، می‌توان افراد کارآفرین متناسب با نیازهای جامعه کشاورزی تربیت کرد.

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف پاسخگویی به این پرسش است که چه منطقی در برنامه درسی دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی با رویکرد کارآفرینی لازم است تا فرآیند کارآفرین شدن دانشجویان فراهم شود؟ به عبارتی به دنبال پیدا کردن دلیل‌های منطقی برای اهمیت و ضرورت توجه به رویکرد کارآفرینی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی هست. در این تحقیق از روش نظریه پایه‌ور که یکی از روش‌های تحقیق کیفی و بر مبنای اصول استقراء است استفاده شد، تا مفهوم‌های نهفته در پدیده‌ها را کشف و ارتباط بین آن‌ها را مشخص کند. در این روش برای شناخت و درک زمینه و مفهوم پدیده برنامه‌درسی کارآفرینی رشته‌های علمی کاربردی کشاورزی از داده‌هایی که مرتبط با زمینه واقعی است استفاده می‌کند؛ نظریه‌ی پایه‌ور دارای سه رکن اصلی مفهوم‌ها، مقوله‌ها و قضیه‌ها است. رکن اول، مفهوم‌ها که واحدهای بنیادی تحلیل هستند از طریق مفهوم‌سازی داده‌های خام مبنی بر رویدادها و وقایع آن طور که مشاهده یا گزارش می‌شود شکل می‌گیرد. دومین رکن، مقوله‌ها هستند که از ترکیب یا کنار هم قرار دادن چند مفهوم در فرایندی تحلیلی و مقایسه آن‌ها براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها یک طبقه را می‌سازند. سومین رکن، قضیه‌ها هستند که بیانگر روابط تعمیم یافته بین مقوله‌ها و مفهوم‌ها و تعیین و تضمین‌کننده روابط مفهومی هستند (حسینقلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). متناسب با نظریه

کارشناسان مرکز کارآفرینی مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی و مهارتی جهاد کشاورزی ۹ نفر از دانش آموختگان کارآفرین با معیارهای انجام کارهای بدیع و نوآورانه، استفاده از ظرفیت‌های موجود بخش کشاورزی، ایجاد اشتغال، درآمد زائی، تولید محصول، بازاریابی و موسس شرکت تولیدی در فعالیتهای کشاورزی بودند، انتخاب شدند. با ۷ تن به صورت حضوری و با ۲ نفر به صورت آنلاین مصاحبه بعمل آمد تا جای که دریافت پاسخ از افراد مشابه و همسان بود.

در این تحقیق، برای تحلیل داده‌های از سه مرحله کدگذاری رایج در نظریه پایه‌ور استفاده شده است. برای عملیات کدگذاری از نرم‌افزار اطلس تی استفاده شد. نرم‌افزار اطلس تی یکی از برنامه‌های تحلیل محتوای کیفی است که مدیریت داده‌ها، بازاریابی کدها، ساخت شبکه مفهومی و خروج داده‌های تحلیلی را انجام می‌دهد. و از این برنامه به عنوان ابزاری برای پشتیبانی از تحلیل پژوهش‌گر استفاده شد (اکبری و غفوریان، ۱۳۹۴). در این پژوهش مرحله‌های کدگذاری به شکل زیر انجام شد: در مرحله اول کدگذاری باز با جزء به جزء کردن ۴۹۶ گزاره و اطلاعات (مصادق‌ها) ارایه شده توسط پاسخگویان در مصاحبه‌ها، با هم مقایسه و داده‌ها مشابه در ۳۸ مفهوم شناسایی شد. در مرحله دوم برای کدگذاری محوری کدهای باز بر پایه یک مقوله یا پدیده اصلی (مشترک) از نظر شرایط علی، مفاهیم در ۷ مقوله طبقه‌بندی شدند. راهبردهای که در رابطه با فرایند ساخت مقوله‌ها انجام شد، متناسب با شرایط زمینهای است. در مرحله سوم به بررسی رابطه بین مقوله‌های بدست آمده از کدگذاری محوری پرداخته شد. در این مرحله پژوهشگر با تحلیل عامل‌هایی که بر راهبردها و پیامدها اثرگذار است به تعیین رابطه بین مقوله‌ها و خلق و تولید قضیه پرداخته است.

مقایسه قرار گرفت و کدهای یکسان و مشابه مشخص شدند. نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند است. که مبتنی بر هدف پژوهش افراد مطلع برای مصاحبه انتخاب شدند؛ و در مورد پدیده اصلی و مورد ارزیابی، علم و تجربه کافی داشتند. بدین صورت برای بررسی دیدگاه‌های دقیق افراد مبتنی بر نظریه پایه‌ور و برای تعیین مقوله‌های کارآفرینی در برنامه‌های درسی دوره‌های علمی کاربردی به کشف و توصیف و ادراک‌های افراد در قلمرو مورد نظر پرداخته شد تا به درکی عمیق از مفهوم‌ها بر پایه نظر افراد مختلف دست یافت (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۶). بر پایه از روش گلوله برفی تا دستیابی به آستانه سودمندی استفاده شد. حجم نمونه (n=۲۳) شد که شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه (تهران، گرگان) با گرایش آموزش و ترویج کشاورزی و آشنا با کارآفرینی و اعضای هیئت علمی مؤسسه (با گرایش کشاورزی که جزو تدوین کنندگان برنامه‌های درسی علمی کاربردی کشاورزی هستند)، ۸ تن، متخصصان برنامه‌درسی آشنا با کارآفرینی (اعضای هیئت علمی از دانشگاه شهید بهشتی، خوارزمی، علامه طباطبایی)، ۶ تن و دانش‌آموختگان کارآفرین علمی کاربردی با گرایش کشاورزی (موسس واحدهای تولیدی در بخش کشاورزی که از سوی مرکز کارآفرینی مؤسسه علمی کاربردی جهاد کشاورزی به‌عنوان کارآفرین شناخته شدند)، ۹ تن هستند. برای نمونه‌گیری نمونه‌ی اول از اعضای هیئت علمی با گرایش کشاورزی و برنامه درسی با توجه به مراتب علمی آنان به صورت هدفمند انتخاب شدند. پس از انجام مصاحبه، برای انتخاب نمونه‌ها دیگر از مصاحبه شونده نسبت به معرفی افراد مطلع در زمینه تحقیق سوال شد. و این عمل به صورت پیاپی با افراد مصاحبه شونده انجام گرفت؛ تا جایی که پاسخ افراد مشابه و همسان بود. از جمع ۱۴ تن اعضای هیئت علمی با گرایش‌های کشاورزی و برنامه درسی ۳ تن، نگارنده را به مقاله‌های که در زمینه آموزش کارآفرینی در مجله‌ها و فصل‌نامه‌ها به چاپ رسانده بودند ارجاع دادند. برای انتخاب نمونه از دانش‌آموختگان کارآفرین پس از مشورت با رئیس و

است در مرحله دوم، مفاهیم‌های مشترک و همسان از نظر معنایی در قالب کدهای محوری در ۷ مقوله عمده طبقه‌بندی شده‌اند. این مقوله‌ها سطح بالاتری از انتزاع دارند، که از مجموع کدهای محوری، یک کد مقوله اصلی با عنوان «اشتغال پایدار و توسعه کارآفرینی در کشاورزی» انتخاب شده است. در جدول ۱ سه مرحله کدگذاری و فراوانی موارد یافت شده در هر مرحله آمده است.

یافته‌ها

برای رسیدن به هدف پژوهش مبنی بر منطق برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی در دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بررسی داده‌ها در مرحله اول کدگذاری باز ۳۸ مفهوم به دست آمده که در جدول ۱ ارائه شده است. این مفاهیم‌های بیانگر دیدگاه افراد مصاحبه شونده در رابطه با منطق برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی

جدول ۱- نمادگذاری مفاهیم‌های منطق برنامه‌های درسی گرایش‌های کشاورزی با رویکرد کارآفرینی

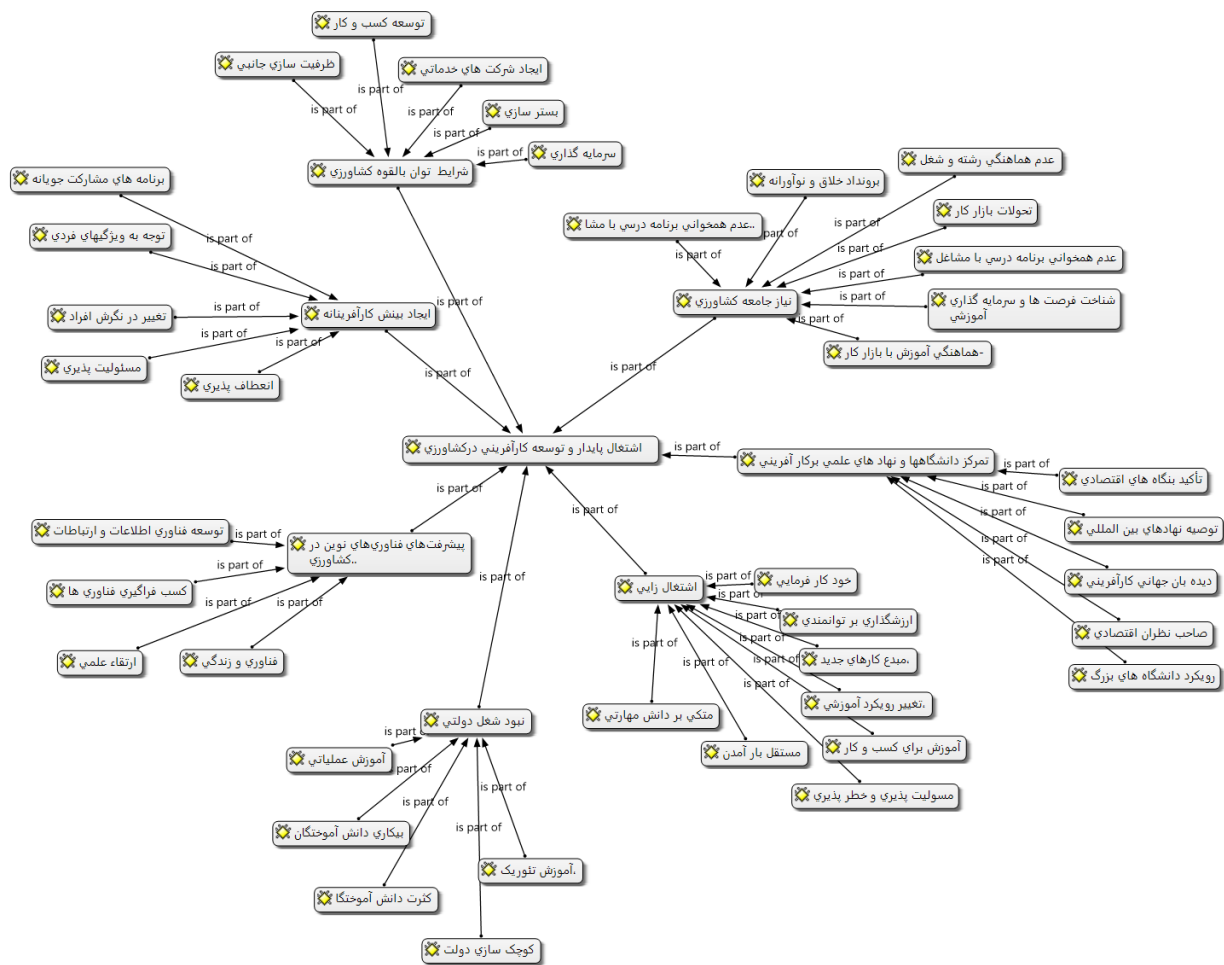
عبارت	مفهوم	فراوانی	مقوله‌های محوری	مقوله اصلی
شمار زیاد دانش‌آموختگان و زمینه جذب در نهادهای دولتی برای آنان نیست	بالا بودن شمار دانش‌آموختگان	۱۸	نبود شغل دولتی	مقوله اصلی
آموزش عملیاتی در برنامه آموزشی کم است و بیش‌تر دانشی است و اینگونه دانش‌آموختگان عملیاتی نیستند و جذب برای آنان وجود ندارد	نبود آموزش عملیاتی	۱۶		
مشکل بیکاری در بین دانش‌آموختگان بخش کشاورزی زیاد است	بیکاری دانش‌آموختگان	۱۵		
سیاست دولت این است که خود را کوچک کند لذا استخدام دولتی برای دانش‌آموختگان وجود ندارد	کوچک‌سازی دولت	۵		
هدفم با جمعی از دوستان بعد از فراغت تحصیل این بود که در حد توانمان اشتغال‌زایی برای جوانان و کمک به تولید ملی را محقق کنیم و در کنار آن به سود اقتصادی هم دست‌یابیم	آموزش متکی بر مهارت	۱۹	اشتغال‌زایی	اشتغال پایدار و توسعه کارآفرینی در کشاورزی
ایجاد رشته‌های جدید برای تربیت دانشجویان با مهارت و دانش کافی که پس از فراغت از تحصیل توانایی کار در عرصه کشاورزی را داشته باشند	آموزش برای کسب و کار افراد	۱۹		
فلسفه آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی باید تربیت افراد خود اشتغال، مستقل و همچنین مولد شغل برای دیگران باشند	فرد خودکارفرما و مستقل	۱۸		
آموزش‌های کارآفرینی می‌تواند افراد را مسئولیت‌پذیرتر و در رویارویی با چالش‌های احتمالی، خطر‌پذیرتر و موفق‌تر بارآورد.	مسئولیت‌پذیر و خطر‌پذیر	۱۸		
تربیت دانش‌آموختگان نوآور برای تولید محصولات ترکیبی جدید یکی دیگر از علت‌های بسیار مهم است برای آموزش کارآفرینی است	مبدع کارهای جدید	۱۷	ایجاد بینش کارآفرینانه	مقوله اصلی
امروزه ضرورت دارد تب مدرک‌گرایی را از بین ببریم و آموزش‌های با قابلیت‌های کاربردی و نوگرایانه ارائه دهیم	آموزش کاربردی و عملگرایانه	۱۳		
آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه برای تربیت افراد توانمند در مرکزهای آموزشی باشند و ورود آسان شمار زیادی از دانش‌آموختگان به بازار کار باشد.	ارزشگذاری بر توانمندی	۱۱		
کارآفرینی یک نگرش است از طریق آموزش این نگرش در دانش‌آموخته ایجاد می‌شود	تغییر نگرش افراد	۱۷	ایجاد بینش کارآفرینانه	مقوله اصلی
پس از کسب دانش و مهارت و فراغت از تحصیل با تعدادی از دوستانم به صورت گروهی مزرعه پرورش... راه‌اندازی کردیم،	برنامه‌های مشارکت جویانه	۱۶		
ایجاد انگیزه برای دانشجو به منظور موفقیت و تصمیم‌گیری برای توسعه منابع اقتصادی خود از وظایف آموزش باید باشد.	آموزش برای توفیق طلبی	۱۴		
امروزه داشتن مهارت و دانش برای کسب و کار کفایت نمی‌کند نیاز به آموزش‌های تلفیقی برای کارهای خلاقانه است	برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر	۹		

عبارت	مفهوم	فراوانی	مقوله‌های محوری	مقوله اصلی
شناخت عوامل روانشناختی دانشجو و تصمیم‌سازی برای کارآفرین شدن او	توجه به ویژگی‌های افراد	۸		
تولید کشت سبزی را در ۲ هکتار زمین آغاز کردم، بخش عمده‌ای از محصولات تا به بازار برسد از بین می‌رفت. این مشکل همه کشاورزانی است که در منطقه ما سبزیجات کشت می‌کنند. در نتیجه مصمم به تهیه دستگاه‌های صنایع تبدیلی شدم و دستگاه‌های لازم را تهیه کردم، در کارگاه ما ۸ خانم روستایی به دقت سبزی‌ها را می‌شورند و ضدعفونی می‌کنند.	توسعه کسب و کار	۱۹		
جذب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی کشاورزی	جذب سرمایه	۱۷		
محصول بدست آمده از آنجایی که از مزیت ماندگاری بالا و قابلیت عرضه به فروشگاه‌های زنجیره‌ای و ... برخوردار است، با تقاضای زیادی روبروست و به قیمت بهتری به فروش می‌رسد. و مشکل بازاریابی سایر کشاورزان منطقه را حل شده است	زمینه فعالیتهای بازرگانی	۱۴		
با استفاده از دستگاه‌های صنایع تبدیلی، محصولات به صورت زیبایی بسته‌بندی و حمل می‌شوند. "بخش کشاورزی به دلیل تقاضای بالای برخی محصولات در بازارهای بین‌المللی هم‌چنان توان جذب نیروی کار و اشتغال زایی بالایی دارد	ایجاد شرکت‌های خدماتی	۱۲	شرایط توان بالقوه کشاورزی	
میتوانیم علاوه بر این که قارچ را به صورت فله‌ای وارد بازار می‌کنیم یک‌سری عملیات نظیر آماده‌سازی برای تولید فرآورده‌های خانگی، خشک کردن و حتی فرآورده‌های صنعتی از قبیل تهیه پوره برای ترکیبات عصاره‌های غذایی ارزش افزوده را بالا برده و در نهایت سوددهی و درآمد را افزایش دهیم،	ظرفیت‌سازی جانبی	۱۱		
شناسایی ظرفیت‌های حوزه کشاورزی برای بسترسازی فعالیتهای تولیدی	ظرفیت شناسی	۸		
بسیاری از مشاغل کشاورزی به ذاته کارآفرینانه است و سهم بزرگی از کارگران و شاغلان خود-اشتغال در این بخش مشغول به فعالیت هستند.	بهره‌وری از آبهای و اراضی منابع طبیعی	۶		
اگر نگاه سنتی به کشاورزی و مدیریت منابع داشته باشیم، اشتغال زایی این بخش منطقی نیست. اما باید توجه داشته باشیم، با ورود علم و فناوریهای نوین در این زمینه باعث مشاغل پایدار و قابل توجهی در بخش کشاورزی خواهیم شد. یادگیری نرم‌افزارهای الکترونیکی از مواردی هستند که باید در برنامه درسی لحاظ شود.	ارتقاء علمی برای استفاده از فناوری	۱۷		
کاربرد فناوری‌های نوین می‌تواند ضمن افزایش تولید محصولات کشاورزی در واحد سطح، موجب کاهش هزینه‌های تولید و متعاقب آن منجر به کاهش قیمت تمام شده این محصولات با ارزش شود.	کسب فراگیری فناوری‌ها	۱۲	پیشرفت‌های فناوری‌های نوین	
اینترنت امکانات منحصر به فردی را بوجود آورده است از آن می‌توانی نسبت به کسب اطلاعات و پیشبینی آینده از قبیل وضعیت آب و هوایی پی ببری، و برای فروش محصولات از تجارت الکترونیکی استفاده کنی	ارتباط نزدیک فناوری و زندگی در دنیای امروز	۷		
انقلاب اطلاعات و ارتباطات تحولات اجتماعی عظیمی به وجود آورده است، بواسطه تحولات، قرن جاری به نام فناوری اطلاعات و ارتباطات به ثبت رسیده است. یادگیری فناوریها در تمام رشته‌های تحصیلی کشاورزی که گستردگی آن و عوامل محیطی که در فعالیتهای آن تأثیرگذاری فراوان دارد از ضروریات اصلی است.	توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطها	۶		
سازمان جهانی یونسکو و آژانس تضمین کیفیت در آموزش عالی، آموزش کارآفرینی را به عنوان ابزاری برای رشد و استفاده از تفکر و مهارت‌های سرمایه‌گذاری و هم‌چنین توسعه و رشد کسب و کار موجود یا طراحی سازمان کارآفرینی می‌داند.	تاکید بنگاههای اقتصادی بین‌المللی مبنی بر آموزش کارآفرینی در دانشگاهها	۱۲	تمرکز دانشگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی بر کارآفرینی	

عبارت	مفهوم	فراوانی	مقوله‌های محوری	مقوله اصلی
حدود ۵۲ دانشکده و مدرسه کشاورزی در آمریکا درس‌هایی در زمینه کارآفرینی و کسب و کار کشاورزی به دانشجویان خود ارائه می‌دهند (کاتز، ۲۰۱۶).	رویکرد دانشگاه‌های بزرگ به کارآفرینی	۱۱		
با توجه به اهمیت کارآفرینی و نقش شرکت‌های کوچک و متوسط در رشد اقتصادی، کمیسیون اقتصادی اروپا همه ساله به هماهنگ کردن اقدامات کشورها، به ویژه کشورهای اروپایی در این زمینه می‌پردازد و در این چارچوب برنامه‌های ویژه‌ای را تدارک می‌بیند اگر به حوزه کشاورزی نگاه علمی، و دانشگاهی داشته باشیم و کل زنجیره را با هم در نظر بگیریم و در زمینه خدمات این بخش هم برنامه‌ریزی منطقی داشته باشیم، می‌توانیم ارزش افزوده و اشتغالی و درآمد مالی بالایی داشته باشیم	توصیه صاحب‌نظران اقتصادی	۶		
آموزش کارآفرینی در آمریکا به علت تلاش‌های اخیر نهادهایی مانند بنیاد کافمن جانی دوباره گرفته است. این نهادها میلیون‌ها دلار بودجه آموزشی برای دانشگاه‌های مختلف فراهم کرده‌اند تا آن‌ها آموزش کارآفرینی را به همه‌ی دانشجویان ارائه دهند (موریس، ۲۰۱۴).	توصیه نهادهای بین‌المللی	۵		
توصیه صاحب‌نظران اجتماعی مبنی بر تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین در دانشگاهها- نظر به این که امروزه کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته است و به سوی خود کارفرمائی و خود اشتغالی در حرکت است کارآفرینی و کارآفرینان نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایفاء می‌کند.	توصیه صاحب‌نظران اجتماعی	۴		
اگر امروزه برنامه‌های آموزشی خود را به سمت کارآفرینی نبریم کار اشتباهی می‌کنیم ما باید دانش آموختگانی تربیت کنیم که بتوانند نسبت به مسئله‌ها جدید که در کسب و کار بوجود می‌آید، اقدام نمایند	عدم هماهنگی آموزش با بازار کار	۲۰		
نیاز است که نوع آموزش‌های را که در دانشگاه کسب می‌کند توانمندی‌های در او ایجاد نماید تا نیازمندیهای جامعه بخش کشاورزی را تشخیص بدهد و فرصتهای این بخش را شناسایی کند.	شناخت فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری	۱۸		
تولید محصولات کشاورزی با نیازمندیهای جامعه باعث رضایت‌مندی کشاورزان و نیز مردم جامعه می‌شود	عدم هماهنگی رشته تحصیلی و شغل	۱۶	نیازمند جامعه کشاورزی و پاسخگوی به تقاضاهای متنوع مردم	
آموزش‌های عالی علمی کاربردی را باید به سوی کارآفرینی سوق دهیم. ادامه حیات این گونه نظام آموزشی بستگی به این دارد چقدر برون‌داد آن‌ها به سمت نوآوری، خلاقیت و در نهایت به کارآفرینی منتج می‌شود	عدم برون‌داد خلاق و نوآورانه در دانش‌آموختگان	۱۵		
در کلاس درس یک سری مهارت و دانش کشاورزی به دانشجو انتقال داده می‌شود، که متناسب با شغل‌های امروزه بخش کشاورزی نیست.	عدم همخوانی برنامه درسی با مشاغل	۱۴		
کشاورزان آینده با موضوع‌های هم‌چون رقابت در بازار، مدیریت ریسک، مدیریت آب، افزایش تقاضا در زمینه محصول جدید به همراه حفظ تنوع گونه‌ها رو به رو خواهند شد	دگرگونی‌ها در بازار کار	۱۳		

داده شد. و با نرم‌افزار Atlas-T به بررسی نوع ارتباط داده‌ها به عنوان مفهوم با مقوله‌ها محوری و مقوله اصلی در نگاره ۱ نشان داده شد.

اطلاعات گردآوری شده است که پس از بررسی مصاحبه‌ها و مصداق‌های اکتساب شده از گفته‌ها و مطالب اسنادی در مورد هر یک از مؤلفه‌های منطق برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی، یک کد اختصاص



نگاره ۱- شبکه روابط کدهای دسته بندی شده

پژوهشگر تحلیل تفسیری خود را بنا بر همه‌ی مصداق‌های که فراوانی آن‌ها در جدول ۱ قید شده بیان کرده است. شرایط علی، نبود شغل دولتی و اشتغالزایی: بر پایه برآورد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۳ شمار شایان ملاحظه‌ای از دانش آموختگان بخش کشاورزی بیکارند. با توجه به وضعیت اشتغال در کشور، دانش آموختگان این بخش قادر به ایجاد شغل در مشاغل متناسب با رشته تحصیلی خود نیستند. قریب به اتفاق فراوانی مصاحبه شوندگان به ازدیاد و بیکاری دانش آموختگان کشاورزی اشاره کرده‌اند؛ از این رو ایجاب می‌کند که آموزش عالی در حوزه علمی کاربردی بخش کشاورزی به سوی تربیت دانش آموختگان کارآفرین برود؛ که پس از پایان

تحصیل خود بتوانند با استفاده از منبع‌های در دسترس و فرصت‌ها نسبت به ایجاد شغل‌های مرتبط با آموخته‌های دانشگاهی خود مبادرت ورزند. یکی از راهکارها مناسب و مطمئن برای اشتغالزایی و فراهم آوردن فرصت‌های شغلی، توانمندسازی دانش آموختگان به مهارت کارآفرینی است که این فرآیند باید در طول دوره تحصیل دانشگاهی ایجاد شود مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مشکل بیکاری، بالا بودن شمار دانش آموختگان کشاورزی و از سوی دیگر نبود زمینه شغل دولتی، فعالیت‌های آموزشی در دوره‌های علمی کاربردی بخش کشاورزی به روش ساری و جاری نمی‌تواند فرصت‌های شغلی برای آنان فراهم سازد. لذا باید در روند موجود تغییر به وجود آورد و طرحی نو ارائه کرد تا توانایی دانش آموختگان

تامین مواد غذایی، محصول‌های راهبردی، ایجاد اشتغال و امنیت جامعه، حفظ محیط زیست و دلایل مهم دیگر از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در هر کشور است. بخش کشاورزی در روند توسعه کشورهای پیشرفته، در زمره مهم‌ترین بخش‌ها قرار دارد. لذا دگرگونی در برنامه‌های آموزش عالی و سوق دادن آموزش‌ها به سمت و سوی نوآوری و خلاقانه از ضرورت‌های مهم به شمار می‌رود.

بخش کشاورزی دارای قابلیت و ظرفیت‌های بالایی است و با تنوع کاری و تولیدی و همچنین فعالیت‌های خدماتی که در این بخش وجود دارد می‌توان نوآوری‌ها و فرصت‌های شغلی جدیدی در این بخش به وجود آورد.

شرایط مداخله‌گری، کاربرد فناوری‌های نوین در کشاورزی و تاکید منبع‌های و مرجع‌های علمی بین‌المللی: جهان فناوری کشاورزی یا همان کشاورزی فناورانه به همراه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با استقبال پرشتابی در حال تغییر و دگرگونی است. آمیختن فناوری‌های ابزاری با فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در مقوله کشاورزی باعث شده است که امور سخت کشاورزی به شیوه خودکار انجام شوند و کشاورزان دانش و بینش گسترده‌تری در زمینه محصول‌های خود به دست آورند. از این رو فناوری‌ها همگام با نیازهای کشاورزی و محیط زیست در حال رشد و توسعه است. امروزه در کشورهای پیشرفته، ابزارهای الکترونیکی در دست کشاورزان حکم ابزارهای اولیه چنگک و بیل را دارند. و با استفاده از فناوری‌های اینترنت اشیا، اطلاعات دقیقی مانند آب و هوا، شرایط رشد محصول، کیفیت و رطوبت خاک که پیش از این در دسترس نبود، مشخص می‌شود.

فناوری اطلاعات و ارتباطات بر همه فعالیت‌های اجتماعی از جمله کارآفرینی اثر گذاشته و در بسیاری از آن‌ها دگرگونی‌های اساسی به وجود آورده است. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین افزون بر آسانگری خیلی از امور و فرآیندهای فعالیت‌های بخش کشاورزی، شرایطی را فراهم می‌کند تا اطلاعاتی از وضعیت‌های آب و هوایی که در امور کاشت، داشت و

برای کار در محیط کشاورزی فراهم شود زیر این بخش دارای شرایط بسیار خوبی برای اشتغال است.

دلایل دیگر برای تغییر برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی مسئله اشتغالزایی و شغل آفرینی در بخش کشاورزی است. با توجه به توسعه فرصت‌های شغلی و ایجاد مشاغل جدید، نیازمند رویکرد جدید و توجه به الزام‌های آن است. ایجاد یک کسب و کار و شغل نیازمند نگرش نوی است. آنچه مسلم است این که بدون شناخت قابلیت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز آن حوزه، برای توسعه اشتغال، امکان برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه و پایدار اشتغال به وجود نخواهد آمد. برای توسعه اشتغال در بخش کشاورزی، تربیت نیروی انسانی توانمند و مجهز به علم و آگاهی روز نیاز است.

موضوع اصلی کشور بحث اشتغال است و از سوی دیگر بحث بیکاری دانش‌آموختگان بخش کشاورزی است، همان‌طور که افراد مطرح کرده‌اند، راه‌حل برطرف کردن مشکل بیکاری ایجاد شغل است. و این کار هم توسط کارآفرینان فراهم می‌شود. لذا سمت و سوی تربیت افراد در کشاورزی باید کارآفرینی باشد؛ تا افراد دانش‌آموخته بتوانند اشتغال خود را تأمین و حتی برای دیگران هم شغل ایجاد کنند.

شرایط زمینه‌ای، نیاز جامعه کشاورزی و شرایط بالقوه کشاورزی: نظام متداول آموزش کشاورزی کشور ضمن ارائه آموزش‌های نظری و نپرداختن مطلوب به آموزش‌های عملی نتوانسته است دانش‌آموختگان کارآمد و مورد نیاز بازار کار تربیت کند. برخی بر این باورند که نظام آموزش عالی ایران به جای تربیت افراد کارآفرین با هزینه‌های زیاد افرادی را تربیت می‌کند که تنها شکاف‌های شغلی تعریف شده نظام سنتی اداری را پرکنند دلیل آن نیز کم توجهی به یادگیری عملیاتی و خالقانه موضوع‌های درسی است. کشاورزان آینده با موضوع‌های هم‌چون رقابت در بازار، مدیریت ریسک، مبارزه با تغییرپذیری‌های آب و هوایی، مدیریت آب، افزایش تقاضا در زمینه انرژی‌های زیستی به همراه حفظ تنوع گونه‌ها روبه‌رو خواهند شد. بخش کشاورزی و منابع طبیعی به دلیل اهمیت آن در

می‌داند. پرورش خلاقیت و شناخت منابع‌های تولید دیدگاه در دانشجویان نیز به عنوان یکی از هدف‌های برنامه درسی دانشگاه هاروارد و مریلند بیان شده است (ملکی‌پور، ۱۳۹۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیش‌تر دانشگاه‌های معتبر کشورهای توسعه یافته نسبت به آموزش کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی خود اهمیت ویژه‌ای قائل هستند.

پدیده اصلی، برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی: یکی از راهکارهای مناسب و مطمئن برای توسعه پایدار بخش کشاورزی، توانمندکردن دانشجویان به مهارت کارآفرینی است، که این فرایند باید در طول دوران تحصیلات دانشگاهی ایجاد شود و این موضوع می‌تواند جلوی به وجود آمدن خیلی از چالش‌ها و تنگناها و نارسایی‌های بخش کشاورزی را بگیرد. در این پژوهش بر پایه مقوله‌های محوری استخراج شده، به روشنی بیانگر این مطلب هستند که مصاحبه‌شوندگان و منابع‌های مورد بررسی با رویکرد مثبت و کارکردی به لزوم تغییرها برنامه‌درسی مبتنی بر کارآفرینی می‌نگرند. بنا بر پایه یافته‌ها به دست آمده می‌توان بیان کرد که، باورها و بینش‌های افراد بر سکوی برنامه‌ریزی درسی دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی بر کارآفرینی استوار است. لذا طراحی یک برنامه‌درسی مناسب برای تربیت افراد کارآفرین از موضوع‌های بسیار مهم در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی است که باید از اولویت‌های کاری برنامه‌ریزان درسی در گرایش‌های کشاورزی باشد. ضرورت بازنگری در برنامه‌های آموزش علمی کاربردی کشاورزی و برقراری پیوند مناسب بین آن و فناوری و کارآفرینی در بخش‌های کشاورزی از جمله موضوع‌های است که لزوم توجه جدی نسبت به آن در سال‌های اخیر احساس شده است؛ که در صورت عملی شدن این امر، راهبردها و پیامدهای بسیار خوبی در حوزه آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی ایجاد خواهد شد.

راهبرد، ایجاد بینش کارآفرینانه: انگیزه آدمی عامل و راهبرد و هدایت‌گر اصلی برای بروز رفتار و عمل اوست و هر حرکتی به انگیزه درونی او بستگی دارد. انگیزه‌های مختلفی در کارآفرین شدن افراد

برداشت محصول‌های کشاورزی دارای اهمیت زیادی است، به دست آید، و هم‌چنین بعضی از کارهای جانبی مربوط به عرضه محصول‌های کشاورزی به بازار و فروش آن‌ها از طریق فضای مجازی و اینترنت را فراهم می‌کند.

یکی دیگر از علت‌های مؤثر بر آموزش کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های معتبر جهانی و بین‌المللی هستند که بر آن تاکید دارند. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و کارگزاری تضمین کیفیت در آموزش عالی، آموزش کارآفرینی را به عنوان ابزاری برای رشد و استفاده از تفکر و مهارت‌های سرمایه‌گذاری و هم‌چنین توسعه و رشد کسب و کار موجود یا طراحی سازمان کارآفرینی میدانند. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی آموزش کارآفرینی را مورد تاکید و حمایت قرار داده‌اند. در ایالات متحده آمریکا آموزش کارآفرینی در درون دوره‌های دانشگاهی و توسط مؤسسه‌های خاص مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. کانادا و برخی کشورهای آسیایی هم‌چون فیلیپین، هند و مالزی گام‌های اساسی برای حمایت از فعالیتهای کارآفرینی برداشته‌اند (خسرویپور و کیخواه، ۱۳۹۲). دوره‌های آموزشی کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر درس‌های دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز کرده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از طریق آموزش عالی در دانشگاه‌ها منظور کردن آموزش کارآفرینی در مجموعه درس‌های آموزشی توجه جدی شده است. در برنامه درسی دانشگاه‌ها و مرکزهای آموزش عالی، آموزش کارآفرینی به شکل تلفیقی برای رشته‌های گوناگون عرضه می‌شود. دانشگاه پنسیلوانیا توسعه مهارت‌های بین فرهنگی و بین رشته‌ای دانشجویان را یکی از هدف‌های برنامه‌درسی کارآفرینی در نظر گرفته است. دانشگاه مریلند، کالیفرنیا و هاروارد یکی از هدف‌های برنامه‌درسی کارآفرینی را شناخت فرصت‌های کارآفرینانه، چالش‌های کارآفرینانه و حل آن‌ها

مهارت‌های شبکه‌سازی و اجتماعی‌شدن، کسب مهارت‌های گفتگو و فروش و بازاریابی، ترویج ایده‌سازی و ارزش نهادن به آن، استفاده از زبان و واژه‌های و اصطلاح‌های تخصصی کسب و کار و کارآفرینی از برتری‌های برنامه‌درسی با رویکرد کارآفرینی است. بنا بر مقوله هسته‌ای که خود برگرفته و انتزاع شده از مقوله‌های عمده است، مصاحبه‌شوندگان، پیامدهای منطق برنامه‌درسی با رویکرد کارآفرینی در آموزش‌های علمی‌کاربردی بخش کشاورزی را به مثابه نوعی اشتغال پایدار و توسعه کشاورزی درک و ارزیابی کرده‌اند. به این معنا که آنان بر این باورند که تغییرها در برنامه‌های درسی با روش کارآفرینانه موجبات رشد و توسعه اقتصادی و پایداری اشتغال در بخش کشاورزی را فراهم می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، دلیل‌های متعددی در تهیه و تدوین برنامه‌های درسی دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی با رویکرد کارآفرینانه وجود دارد. بیکاری در دانش‌آموختگان دانشگاهی به ویژه رشته‌های کشاورزی یکی از چالش‌ها مهم جامعه ما است. که بیش‌ترین فراوانی مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. واقعیت امر این است که تربیت‌شدگان آموزش عالی در زمینه کشاورزی، بدون قابلیت‌ها و مهارت‌های عملی و کاربردی و توانمندی لازم در زمینه خلاقیت و نوآوری هستند؛ و گرایش بسیار شدید این دانش‌آموختگان به جذب در نهادهای دولتی و رضایت به استخدام در این واحدها، حتی با حقوق و مزایای بسیار ناچیز، نشانه بارز و گویای این واقعیت است. از سوی دیگر سیاست‌های دولت بر کوچک‌سازی و سپردن فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی به بخش خصوصی از دیگر مواردی بود که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. برای برون رفت از این حالت، تربیت نیروی انسانی ماهر، متخصص، کارآمد و کارآفرین از عامل‌های کلیدی و انکارناپذیر در توسعه اقتصادی و فرهنگی هر کشوری به شمار می‌آید. به عبارتی اصلاح و بهبود

مؤثر هستند؛ که از جمله آنها: نیاز به موفقیت، نیاز به کسب درآمد و ثروت، نیاز به داشتن شهرت، و مهم‌تر از همه نیازمندی به احساس سودمند بودن و استقلال طلبی را می‌توان نام برد. به طور کلی هدف اولیه از توسعه کارآفرینی همانا تربیت افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به طور کلی افرادی است که گرایش بیش‌تری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند. این گونه دوره‌ها به دنبال بهبود و انگیزش گرایش‌های افراد هم‌چون گرایش به استقلال، فرصت‌جویی، ابتکار، گرایش به مخاطره‌پذیری، تعهد به کار، گرایش به حل چالش‌ها و لذت بردن از نبود قطعیت و ابهام است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مصاحبه‌شوندگان به تغییر روند آموزش‌ها به سمت و سوی کارآفرینی اشاره دارند؛ و کارآفرینی را یک نگرش می‌دانند و بیان می‌کنند؛ که باید این نگرش را در دانشجویان ایجاد بکنیم، تا خودشان در امر کارآفرینی فعال باشند؛ و این امر یعنی ایجاد نگرش کارآفرینانه تنها از طریق کلاس درس انجام نمی‌گیرد بلکه چیزی فراتر از کلاس و آزمایشگاه باید باشد؛ و آن هم ایجاد انگیزه برای کارآفرین شدن در دانشجویان است.

پیامدها: ضرورت تبدیل برنامه‌های درسی به سمت و سوی کارآفرینی یک نیاز واقعی در بخش کشاورزی است. آموزش کارآفرینی در واقع به عنوان نیاز احساس شده و برای توسعه اقتصادی بخش کشاورزی پرهیزناپذیر است. امتیازهای آموزش کارآفرینی برای دانشجویان، مواردی هم‌چون بهبود مهارت‌های علمی و دانشگاهی، تجربه‌کردن کارآفرینی در حین تحصیل، افزایش حس خودباوری و اعتماد به نفس است. و باعث اندیشه کارآفرینانه در دانشجویان می‌شود. و مهارت‌های لازم به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار و مستقل بودن را در آنان فراهم می‌کند. گسترش آگاهی نسبت به نقش کارآفرینان در جامعه، ترویج روحیه خطرپذیری و یادگیری از شکست‌ها و یادگیری چگونگی شناخت و درک فرصت‌ها، افزایش دانش اقتصادی و درک نظام سرمایه‌گذاری، افزایش دانش در زمینه کاریابی، درک فرآیند کارآفرینی و طرح اشتغال‌زائی، کسب

کیفیت نیروی انسانی در حوزه کشاورزی باعث پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خواهد شد؛ و این امر با برنامه‌های درسی در مراکزهای آموزش عالی علمی‌کاربردی کشاورزی تحقق پیدا می‌کند، این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های وودهال (۱۹۹۲)، و سینک (۱۹۹۶) مبنی بر تاثیرگذاری آموزش عالی در ارتقاء دانش، نگرش و مهارت‌های دانش‌اموختگان و تربیت نیروی انسانی با کیفیت از نظر علمی، فنی و نیز نتیجه پژوهش مخبر و میر رحیمی (۱۳۹۶) مبنی بر متغیرهای مؤثر بر توسعه کارآفرینی در مراکزهای آموزش عالی و همچنین پژوهش شریف زاده و عبدالله زاده (۱۳۹۴) مبنی بر مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی همخوانی دارد.

بنابر فراوانی گفته‌های افراد مصاحبه شونده ظرفیت‌ها و توانمندی بالقوه موجود در بخش کشاورزی، می‌تواند بستر ساز توسعه کشاورزی و پاسخگوی نیازمندیهای جامعه کشاورزی باشد. و حتی بسیاری از شاخه‌های صنعتی را راه‌اندازی و پشتیبانی کند. بنابر گفته‌های کارآفرینان مصاحبه شونده، با فعال شدن ظرفیت‌ها، توانمندی‌های بالقوه و کشف نشده در بخش کشاورزی فرصت ایجاد اشتغال و رشد و توسعه بسیاری از صنایع وابسته فراهم می‌شود؛ و بخش کشاورزی و صنعت می‌توانند به عنوان مکمل همدیگر را پشتیبانی کنند. با سرمایه‌گذاری مناسب در حوزه آموزش‌های علمی‌کاربردی کشاورزی و تربیت افراد خلاق برای تولید محصول‌های کشاورزی و تبدیل آن‌ها به فرآوردهایی با عمر انباری و نگهداری بالا از طریق صنایع تبدیلی و تکمیلی، امکان اشتغال شایان توجهی ایجاد کرد؛ و حتی با صدور محصول‌های فرآورده‌ای شده نسبت به ارزش افزوده و ورود ارز به کشور موفق‌تر عمل کرد. نتایج این بخش با پژوهش‌های علیخانی (۱۳۹۳) و شریعت زاده (۱۳۸۵) مبنی بر اثرگذاری نیروی انسانی کارآمد و کارآفرین بر بخش کشاورزی و در نتیجه بر اقتصاد کشور همخوانی دارد.

بنابر نتایج بررسی‌های به عمل آمده از پژوهش‌های محققان و نظرسنجی مصاحبه شوندگان این پژوهش، امروزه کارآفرینی به شدت به بسترهای فناوری اطلاعات و ارتباطات وابسته است و از آن بهره‌زادی می‌گیرد. با توجه به پیشرفت‌های گسترده فناوری‌های کشاورزی و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و توانمند نبودن کشاورزان کشور برای استفاده از این فناوری‌های نوین، واقعیت‌های تلخی است؛ که به طور عمده بدنبال آن نرخ بازده سرمایه پایین در این بخش را به همراه دارد. با ورود علم و فناوری‌های نوین در این زمینه باعث مشاغل پایدار و شایان توجهی در بخش کشاورزی خواهیم شد، باید علم فناوری را در راس فعالیت‌های کشاورزی قرار دهیم تا به هدف‌های تعیین شده در برنامه‌های توسعه برسیم. و این امر هنگامی محقق خواهد شد که چگونگی استفاده از این فناوری‌ها در برنامه‌های درسی لحاظ شود. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتیجه تحقیق شریعت زاده (۱۳۸۵) مبنی بر انتقال فناوری و کشف منبع‌های جدید و استفاده اثر بخش از آن‌ها همگرایی دارد.

با توجه به نتایج مرور کتابخانه‌ای و فراوانی گفته‌های مصاحبه شوندگان در زمینه تغییرهای صورت گرفته در حوزه کشاورزی مبنی بر (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست‌های کشاورزی (حرکت به سوی کشاورزی تجاری) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم کاری، مباحث زیست محیطی) از عامل‌هایی هستند که ضرورت کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. به خاطر دگرگونی‌های صورت گرفته یک تغییرات اساسی در شیوه‌های کنونی تولید و فعالیت‌ها در بخش کشاورزی لازم بوده و آن هم کشاورزی مبتنی بر بازار در چهارچوب توسعه اقتصادی و پایدار در کشاورزی خواهد بود. در این نوع کشاورزی، کشاورز بایستی فرصت‌شناس بوده و نیازهای مشتری را به درستی شناسایی کرده و آن‌گاه راهبرد لازم در جهت برآوردن این نیازها طراحی و اجرا کند. این امر هنگامی میسر خواهد بود که بتوان شناخت، مهارت و

علمی کاربردی با کارآفرینی است؛ که این پدیده موجب برانگیختن دانشجویان و ایجاد خلاقیت و نوآوری در بخش کشاورزی می‌شود. نتایج این بخش از تحقیق با پژوهش‌های ارنشتاین و لن بروک (۲۰۰۴) مبنی بر توسعه و گسترش مطالعات برنامه درسی به عنوان قلب مراکز دانشگاهی و پاسخگو بودن به نیازهای در حال تغییر جامعه (فتحی واجارگاه و شفیععی (۲۰۰۷) و توفیق و شکست نظام‌های آموزش عالی فتحی و اجارگاه (۱۳۹۲)، (۱۳۹۳) هم راستا هستند.

بنا بر یافته‌های این پژوهش و هم‌چنین به اعتقاد بسیاری از متخصصان کارآفرینی، انگیزه پیشرفت و عناصر تاثیرگذار در کارآفرینی قابل آموزش است، بنابراین با برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های درسی می‌توان به عنوان یک استراتژی و یا راهبرد، انگیزه دانشجویان را برای ایجاد بینش، روحیه و رفتارهای کارآفرینانه تقویت نمود و در نهایت آن‌ها را به سمت کارآفرینی سوق داد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های فائویت و همکاران (۲۰۰۳)، نادری (۱۳۹۴)، کوتیم و همکاران (۲۰۱۴) و مهدوی مزده (۱۳۹۲) در ارتباط با طراحی و تدوین برنامه درسی و مدارس عالی با رویکرد کارآفرینی که موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری و افزایش مهارت شغلی و مدیریت متناسب با کارآفرینی در دانشجویان می‌شود و ارزش آفرینی بواسطه آموزش کارآفرینی و مشارکت جویی دانشجویان در فرآیند یادگیری آموزش کارآفرینی و اکتسابی بودن آموزش کارآفرینی همگرایی دارد.

کارآفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه‌حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحران‌های موجود در بخش کشاورزی و حضور در عرصه رقابت‌های بازار کشاورزی جهان، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. کشورهای مختلف به دلایل کوناگون برای موضوع کارآفرینی اهمیت قایل شده و به آن توجه نموده‌اند که عبارتند از: ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و ایجاد اشتغال. در شرایط کنونی کشور ما و نیز روند تغییرات بین‌المللی و پدیده جهانی شدن اقتصاد

نگرش افراد را با این تغییرها و دگرگونی‌های همسو کرد. به عبارتی دیگر کشاورزی را تربیت کرد که امروز یک کارآفرین باشد. به همین دلایل است که بیش‌تر نهادها و دانشگاه‌های معتبر جهانی آموزش کارآفرینی را برای تربیت افراد کارآفرین در سرفصله فعالیت‌های خود قرار داده‌اند و بر آن تاکید می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق موریس (۲۰۱۴) مبنی بر تامین مالی بنیاد کافمن برای توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های آمریکا و نتیجه پژوهش کاتز (۲۰۱۴) بر آموزش کارآفرینی در ۵۲ دانشکده و مدرسه عالی کشاورزی در آمریکا و هم‌چنین یافته‌های پژوهش ملکی‌پور (۱۳۹۵) در هدف‌های برنامه درسی دانشگاه هاوارد و مرلند برای توسعه کارآفرینی و نتایج پژوهش خسروی و کیخواه (۱۳۹۲) مبنی بر آموزش و توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کانادا، فیلیپین، هند و مالزی همخوانی لازم را دارد.

بنا بر فراوانی گفته‌های جامعه پژوهش، آموزش کارآفرینی و لحاظ کردن آن در برنامه‌درسی رشته‌های علمی کاربردی کشاورزی در مرکزهای آموزش تحت نظارت دانشگاه جامع علمی کاربردی یکی از بخش‌های بنیادین برای به حرکت درآوردن اشتغال پایدار و توسعه بخش کشاورزی به شمار آید. توجه به سرفصل برنامه‌های درسی با رویکرد کارآفرینی در مرکزهای آموزش کشاورزی سبب می‌شود دانشجویان از تأکید صرف بر استخدام‌های دولتی، دوری کنند، و خود را مجهز به فرایندهایی سازند، تا با دانش‌آموخته‌ای از دانشگاه، بتوانند در بازار کار به عنوان یک کارآفرین ایفای نقش کنند. بدیهی است ایجاد این نوع تفکر در مرکزهای آموزشی مستلزم تدوین یک برنامه‌درسی منسجم، علمی و پیشرفته برای پرورش نگرش کارآفرینانه در همه دانش‌آموختگان رشته‌های علمی کاربردی کشاورزی است. که در این راستا استفاده از تجربه دانشگاه‌های موفق و پیشرو می‌تواند زمینه ساز بهبود و اجرای بهتر برنامه‌درسی کارآفرینی شود. عامل‌های مؤثر در توسعه کارآفرینی در مرکزهای آموزش علمی کاربردی جهاد کشاورزی در تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین، تلفیق برنامه‌های درسی دوره‌ها آموزش

- کشاورزی و با توجه به دلایل مطرح شده و همچنین فراوانی دیدگاه‌های جامعه پژوهش و پیامدهای بسیار زیادی که در بازار کسب و کار کشاورزی وجود دارد، لازم است تا موضوع توسعه کار آفرینی به عنوان برنامه‌ای راهبردی در تدوین برنامه‌های درسی دوره‌های علمی کاربردی بخش کشاورزی تلقی و به آن پرداخته شود.
- با توجه به یافته‌های تحقیق برای طراحی و تدوین برنامه‌های درسی با ویژگی‌های کارآفرینی آشنهادهای زیرارایه می‌شوند.
- در سطح سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های درسی از نظرهای خبرگان کشاورزی، متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینان کشاورزی استفاده بهینه بعمل آید.
 - هدف‌های برنامه درسی علمی کاربردی با گرایش‌های کشاورزی متناسب با ویژگی‌های کارآفرینی تعریف شود و هدف اصلی تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین ماهر، خلاق و نوآور باشد.
 - برای تدوین و سازماندهی محتوا برنامه‌های درسی علاوه بر موضوع‌های و مهارت‌های تخصصی رشته تحصیلی از موضوع‌های مربوط به دانش و مهارت‌های کارآفرینی به صورت تلفیقی به منظور عملیاتی کردن فعالیت‌های آموزشی در برنامه‌ها استفاده شود.
 - فعالیت‌های آموزشی با رویکرد کارآفرینی از جمله ارتباط و پیوند بین دانشجویان و دانش‌آموختگان کارآفرین، فعالیت‌های کسب و کارانه، برگزاری جلسات ماهانه با کارآفرینان، برگزاری اردوهای عملی و... برای راهبردهای یاددهی و یادگیری در برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد.
 - انتخاب مدرس با ویژگی‌های داشتن مهارت‌های: رفتار کارآفرینانه، حرفه‌ای و تخصصی، فرصت‌شناسی، برقراری ارتباط دانشجو با محیط کسب و کار، روش‌های ارتباطی و شیوه‌های مناسب رفتاری با دانشجو و استفاده از رسانه‌های آموزشی در برنامه‌های درسی قید شود.
- مواد و منابع مورد نیاز برنامه‌های درسی علاوه بر کتب و تالیف‌های خبرگان و متخصصین با انواع منابع و مرجع‌های از قبیل رسانه‌های الکترونیکی، استفاده از نظرات خبرگان و مدرسان با تجربه و همچنین فعالان بخش کشاورزی و کارآفرینان این بخش و استفاده از منابع معتبر علمی خارجی و تجربیات دانشگاه‌ها و مؤسسات معتبر بین‌المللی و بهره‌گیری از فعالیت‌های محیطی و عرصه‌ای و نظرخواهی از کشاورزان نمونه برای تهیه موضوعات درسی مورد استفاده قرار گیرد.
- برای همگرا کردن گروه‌ها دانشجویی و ایجاد ارتباطات مؤثر برای همکاری بیشتر بین آنان برای یادگیری، پروژه‌های درسی کسب و کار به صورت مشترک در برنامه‌های درسی تعریف شود.
- زمان مورد نیاز در برنامه‌های درسی با استفاده از امکانات فناورانه مانند رسانه‌های الکترونیکی برای صرفه جویی در زمان‌های یادگیری و برنامه‌های خارج از وقت کلاسی از قبیل، بازدیدهای علمی از عرصه‌های کشاورزی، سمینارها، گردهمایی‌ها، آشنایی با فعالان و کارآفرینان کشاورزی استفاده از کارآفرینان برای ارایه موضوعات کارآفرینی و توزیع دروس با توجه به شرایط محیطی و منطقه‌ای و فصول سال در برنامه‌های درسی مورد توجه قرار گیرد.
- مکان و فضاهای مورد نیاز علاوه بر کلاس و محیط‌های آزمایشگاهی و پایلوت‌ها با محیط‌های خارج از کلاس اعم از عرصه‌ای و موقعیت‌های کسب و کارانه و مزرعه‌های الگویی در برنامه‌های درسی برای فعالیت‌های در نظر گرفته شود.
- ارزیابی از عملکرد و فعالیت‌های آموزشی و میزان رشد و پیشرفت توانایی دانشجویان در زمینه مهارت‌های شناختی و پروژه‌های کسب و کار و فعالیت کارآفرینانه به‌عنوان شیوه‌های ارزشیابی در برنامه درسی تعریف شود.

منبع‌ها

- اکبری، م.، غفوریان، ف. (۱۳۹۴). تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اولادیان، م.، سیف نراقی، م.، نادری، ع.، شریعتمداری، ع. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه تهران و مدیران کارآفرین شهر تهران به منظور فراهم نمودن الگوی مناسب برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی. شماره ۲ فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی.
- بینش، م.، بختیاری، م.، نویدبخش، س. (۱۳۹۵). بررسی برنامه درسی دانشگاهی، تصمیم‌گیرندگان و عوامل مؤثر بر آن، شماره ۳، فصل‌نامه مطالعات مدیریت و حسابداری.
- پری‌نوش، م. (۱۳۹۱). کارآفرینی: مفاهیم بنیادین و کاربرد آن در کسب و کارهای جدید، تهران: انتشارات آمه.
- خسروی‌پور، ب.، کیخواه، ش. (۱۳۹۲). آموزش کارآفرینی، رویکرد کارآمد در جهت اشتغال دانشجویان کشاورزی، شماره ۱۶۳، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه.
- حسینقلی‌زاده، ر.، حبیبی، ل.، عالی، م. (۱۳۸۹). مروری بر روش‌شناسی نظریه پایه‌ور با تاکید بر مطالعات سازمانی، شماره ۵۴، فصل‌نامه راهبرد.
- دلاور، ع. (۱۳۸۷). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
- سند اشتغال وزارت جهادکشاورزی در طی برنامه پنجم توسعه کشور، (۱۳۸۸). معاونت امور برنامه‌ریزی و اقتصادی دفتر برنامه‌ریزی بودجه و کارآفرینی، وزارت جهاد کشاورزی.
- سند مؤسسه آموزش عالی علمی-کاربردی و مهارتی وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۹۴). قابل دسترس در: www.itvhe.ac.ir
- شریف‌زاده، م.، عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، شماره ۳۲، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مدیریت جهاد کشاورزی.
- شریعت‌زاده، م. (۱۳۸۵). کشاورزی پیرامون اهداف، برنامه‌ها و فرآیند جذب فراگیران نظام آموزش متوسطه کشاورزی، تهران: نشر علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فتحی‌واجارگاه، ک.، موسی‌پور، ن.، یادگارزاده، غ. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی (مقدمه‌ای بر مفاهیم، دیدگاه‌ها و الگوها)، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- فتحی‌واجارگاه، ک. (۱۳۹۲). راهنمای عملی بازنگری برنامه‌های درسی (در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی)، تهران: انتشارات مهربان.
- فتحی‌واجارگاه، ک. (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات بال.
- کرسول، ج. (۱۳۹۶). اویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان آنچه رویکرد (روایت پژوهی، ادیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)، ترجمه: حسن دانایی فرد، و حسین کاظمی، تهران: انتشارات اشراقی.
- رنجبر، ه.، حق دوست، ع. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع، شماره ۳، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- علیخانی، م.، اصغرنژاد، ل. (۱۳۹۳). اهمیت ضرورت توجه به کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره دوم.
- مخبر، ع.، میررحیمی، د. (۱۳۹۶). متغیرهای مؤثر بر توسعه کارآفرینی در مرکز آموزش عالی علمی-کاربردی امام خمینی (ره)، شماره ۴۲، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مدیریت جهاد کشاورزی.

مذبوحی، س.، شرفی، م.، مقدم، م. (۱۳۹۱). برنامه درسی کارآفرینی: هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی، شماره ۳، مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۳). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترس در: <http://www.amar.org.ir>.

ملکی پور، ا.، حکیم زاده، ر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در قلمرو رشته‌های کارشناسی علوم اجتماعی و رفتاری در دانشگاه تهران با دانشگاه‌های پیشرو جهان، شماره ۳۸، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی.

مهدوی مزده، م. (۱۳۹۲). تعیین شاخص‌های تأثیرگذار در کارآفرین بودن دانشگاه‌های دولتی ایران و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از این منظر، شماره ۱، فصل‌نامه سیاست علم و فناوری.

نادری، ن. (۱۳۹۴). الگوسازی مفهومی تأثیر مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی بر نگرش هنجاریان به کسب و کار در هنرستان‌های کار دانش، شماره دوم، نشریه کارآفرینی در کشاورزی.

نیک فرجام، ح.، جلیلی هزاوه، م. (۱۳۹۱). مقایسه دیدگاه دانشجویان و صاحب‌نظران نسبت به توانایی و صلاحیت‌های مدرسان دوره‌های علمی-کاربردی مراکز آموزش جهاد کشاورزی، شماره ۲۱، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مدیریت جهاد کشاورزی

وودهال، م. (۱۹۹۲). توسعه اقتصادی و آموزش عالی، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، شماره ۱ سال دوم، فصل‌نامه پژوهش برنامه‌ریزی در آموزش عالی.

- Education and training for entrepreneurs, ducation+Training. Vol 45No. 8/9. pp. 430-438
- Kuttim, M. Kallaste, M. Venesaar, U. and Kiss, A.) 2014 (. ntrepreneurship Education at University Level and Students' Entrepreneurial Intentions Procedia-Social and Behavioral Science, 110. 658-668.
- Singh, T, S., (1996). Higher Education and Development the Exoeriences of four Newly Industrializing Countries in Asia in Higher Education In Internaional Perspective: Critical, Edited by Zagloul, M. and Philip G. A. paris: UNESC. PB. 102-156.
- Fathi Vajargah, K & Shafiea, N. (2007). Evaluation of Quality of University Curriculum (Adult Education). Quarterly Journal of Curriculum Studies (QJCS), Vol. 2, No. 5, pp. 1-27.
- Lanenburg, F. and Ornstein, A. (2004). Educational Administration, Concepts and Practices; Wadsworth Publishing Complaining.
- Morris, M. H., Kuratko, D. F., and Pryor, C. G. (2014). Building blocks for the development of university-wide entrepreneurship. Entrepreneurship Research Journal, 4 (1): 45-68.
- Katz, J. A., Hanke, R., Maidment, F., Weaver, K. M., and Alpi, S. 2016. Proposal for two model undergraduate curricula in entrepreneurship. International Entrepreneurship Management Journal, 12 (2): 487-506.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). Baiscs of qualitative research tecniques for developing grounded theory. (2nd ed). thousand Oaks, CA:Sage.

Agricultural Scientific – Applied Curriculum Logic with Entrepreneurial Approach in Iran

H. Nikfarjam¹, A. Hosseinkha², E. Abassi³, and M. Geramipour⁴

1- PhD Student of Planning Curriculum, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2, 3, 4- Assistant Professor of Curriculum Planning Department, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract

This research was conducted with the aim of explaining the logic of the curriculum with the entrepreneurial approach in applied agricultural sciences with a qualitative vision; and in order to identify the main categories affecting the logic of the entrepreneurship curriculum, a basic theory was used for research. In this research, two methods of library and semi-structured interview were used to obtain data. Targeted sampling with snowball method was performed to achieve theoretical saturation and the usefulness threshold. Where faculty members with an agricultural education orientation and familiar with entrepreneurship, curriculum specialists, and graduate students of applied entrepreneurship with an agricultural orientation of each were 8, 6 and 9, respectively, in a total of 23 individuals. For data processing and analysis, there are three coding procedures in which open coding for the formation of concepts, axial coding for constructing categories and selective coding for the creation of the theorem have been used with the help of Atlas-T software. In the initial analysis of the data, the frequency of 496 cases provided by respondents in interviews, 38 concepts, was determined at the open coding stage, and in the axial coding stage, the concepts of common and identical semantic stage in the form of 7 categories Major issues such as lack of government jobs, employment creation, entrepreneurial insights, potential conditions and potential of farmers, advances in modern technologies, the focus of universities and internationally accredited institutions, and the needs of the agricultural community are classified as research findings. Ultimately, one of these categories is the creation of sustainable employment and entrepreneurship development in the sector was obtained. Research findings show that the logic of applied academic curricula in agricultural trends is intertwined with theoretical and practical issues of entrepreneurship in order to provide sustainable employment and the development of entrepreneurship in the agricultural sector, given the latent capacities in this sector. To play a part in the process of decision making and curriculum design; in this way, by strengthening the insights, attitudes and entrepreneurial behaviors in students, it can provide the basis for sustainable development in the agricultural sector.

Index Terms: curriculum, entrepreneurship approach, scientific-applied, agricultural education.

Corresponding Author: H. Nikfarjam

Email: nikfarjam66@gmail.com

Received: 24/08/2018;

Accepted: 05/11/2018